



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۴/۲۷

عبدالقیوم میرزاده

کتاب

زنان

و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت سی و دوم)

فیمینیسیم اسلامی

فیمینیسیم اسلامی نوع دیگری از جنبش فیمینستی جهان است که به قول عده از صاحب نظران و جامعه شناسان به منظور جلوگیری از نفوذ فیمینیسیم به اشکال دیگر آن و یا فیمینیسیم مدرن در کشور های اسلامی راه اندازی شده است. اما فیمینیسیت های اسلامی بر اساس خطوط اصلی و یا آموزه های اساسی فیمینیزم که در بحث آغازین فیمینیسیم آنرا توضیح دادم و عبارت است از برابری، آزادی، حقوق مساوی و رفع همه انواع تبعیض جنسیتی میباشد راهکار خویش را رقم زده اند.

این فیمینیسیت ها برابری زنان را در دسترسی به منابع ثروت، مشارکت اجتماعی، تحصیلات و فراگیری، ایجاد توازن قدرت میان زنان و مردان و برخورداری از رفاهیت همگانی بصورت یکسان با مردان مطالبه دارند. این فیمینیسیت ها در بحث برابری جنسیتی بر عکس نظریات حاکم در جنبشهای فیمینستی باورمند به تفاوت های طبیعی و بیولوژیک بین و مرد و زن بوده و ادای نقش مادری و همسری را نه بر بنیاد عادات فرهنگی جامعه مرد سالار بلکه بر بنیاد طبیعت مردانه و زنانه میپندارند.

فیمینیسیت های اسلامی مسئله برابری که یکی از اصول زرین و با اهمیت فیمینیسیم به شمار میرود را بر پایه عدالت که بنیادی ترین اصل در دین اسلام است مطرح میکنند. عدالت در معیار دین اسلام یعنی همه امور برابری و حقوق زنان و مردان بر پایه ارشادات شریعت، احکام و قوانین در نظر گرفته شود. اما فیمینیستهای اسلامی عدالت عنوان کرده ای شانرا نه عدالت شرعی بلکه عدالت عرفی معرفی میکنند. آنها به این نظر اند که با تغییر و انکشاف جوامع بشری، نیازمندی های انسانها نیز در تغییر و تکامل اند. آنها آنچه را امروز فیمینیسیت های مدرن به عنوان بیعدالتی معرفی میکنند در آوان ظهور اسلام کاملاً عادلانه میدانند، زیرا در آنزمان معیار عدالت نه آن معیار هایی بوده که امروز آنرا به سنج میگیریم. و در شرایط حاضر لازم میدانند تا تمام متون اسلامی مورد باز نگری قرار گرفته و

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

نیازمندی های امروزی از آن استنباط و هرکدام از نو تعریف و باز تعریف گردد. براساس همین دیدگاه ها است که امروزه تضاد های مُخَرش میان انواع فیمینیست های غربی با اسلام مرد سالار روز تا روز کم رنگ تر میگردد. زیرا در نیمه دوم قرن بیستم که در یکده کشور ها اسلام سیاسی ظهور کرد فیمینیست های اسلامی توانستند مطالبات شان را در عرصه برابری جنسیتی با هویت دینی خویش آشتی دهند. البته قابل ذکر پنداشته میشود که اسلام گرا های سیاسی به هیچوجه حاضر به پذیرش آزادی های زنان و برابری های جنسیتی نبودند اما زیر بار و فشار مضاعف زنان برای مشارکت در امور اجتماع و سیاست و چرخ اقتصادی و روابط و حمایت سیاسی - نظامی پنهانی و آشکار این اسلام گرا ها با کشور های غربی این زمینه را مساعد کرد تا فیمینیست های مسلمان و جنبش های آزادی زنان در کشور های اسلامی به موفقیت های در زمینه های حقوقی و قانون گذاری نایل آیند. همچنان آنها توانستند در کنار جنبش های ملی گرایی و آزادیخواهانه کشور های اسلامی یکجا ممد قرار گرفته ورشد کنند و از این طریق مطالبات شانرا در عرصه های آزادی های زنان، رفع تبعیض جنسیتی و مشارکت زنان در امور اجتماع و سیاست مطرح گفتمان های سیاسی - اجتماعی روز این کشور ها سازند و همین گفتمان های سیاسی - اجتماعی بود که فیمینیست های اسلامی را به جوامع مسلمان معرفی کرد. فیمینیست های اسلامی تفاسیری جدیدی غیر تفسیر هایی که تا کنون متولیان دینی از قرآن و سنت ارائه میکردند بدست میدهند. این تفسیر ها با اصول مطروحه فیمینیسم قرابت پیدا کرده و در عرصه حقوق زنان همه معیار های حقوق انسانی را در نظر میگیرند.

بسیاری از فیمینیست های غربی فیمینیست های اسلامی را بنابر اصول مطروحه فیمینیسم که مذهب را یکی از وسایل ستم جنسیتی علیه زنان میپندارند به آنها تاخته و ایشان را عناصر وابسته مذهبی در میان زنان برای ادامه تسلط فرهنگ مرد سالار میدانند. این منتقدین به این باور اند که در جنبش های فیمینیستی بانیت زنان محور باشند نه دین. اینکه فیمینیست های اسلامی بوسیله دین اسلام میتوانند از حقوق برابر برخوردار شوند و در کلیه امور جامعه مشارکت فعال پیدا کنند غیر قابل باور میپندارند و اضافه میکنند که این دیدگاه بیشتر بنیاد گرایانه پنداشته میشود تا فیمینیستی.

اما مطالعات جامعه شناسانه و تاریخی از سیر جنبشهای آزادی خواهانه زنان منجمله فعالیت های فیمینیستی بوضاحت بما میرساند که همه فعالان انواع جنبشهای زنان جنبشهای اجتماعی هستند که نظر به موقعیت جنبش و تأثیر گذاری ماحول سیاسی بر آن از جایی تا جایی دیگر تفاوت هایی ملموسی را با خود حمل میکنند و این تفاوت ها گاه منازعات را نیز در بر داشته است.

اگر ما فیمینیست ها را نه از دیدگاه ایدئولوژی های انتخابی و یا پیشه کرده ای شان بلکه از ورای عملکرد شان به ارزیابی بگیریم بخوبی در میابیم که در هر حالت برای جنبشهای فیمینیستی مسئله برابری جنسیتی، آزادی زنان از قید اسارت فرهنگ مرد سالاری و مشارکت زنان در کلیه امور اجتماع، سیاست، اداره و اقتصاد از اهمیت فوق العاده برخوردار بوده و در هر موقعیت جغرافیایی هدف آن بهتر ساختن زنده گی زنان و رفع همه انواع تبعیض علیه زن مطرح بوده است. پس به این نتیجه میرسیم که فیمینیسم اسلامی هم یک نوع از جنبش فیمینیستی بوده و اگر باور های اعضای این جنبش را از دین اسلام برداریم میبینیم که صرف عملکرد این جنبش برای آزادی زنان و رفع تبعیض ها علیه زن در جوامع اسلامی باقی میماند.

فیمینیسم اسلامی در جاهایی که حضور دارد توانسته است آگاهی نقادانه را در میان زنان ترویج کرده و زنان را از حاشیه نشینی به مرکز تحولات سیاسی - اجتماعی - اقتصادی کشانیده است. با فعالیت متمر و هدفمند توانسته اند توزیع قدرت و ثروت را در جامعه به نفع زنان در جهت تغییر مثبت معطوف دارند. در واقعیت امر فیمینیست های مسلمان بحث و گفتمانهای مسایل آزادی زنان را در درون کشور های اسلامی که در بسیاری آنها تا اواسط قرن بیستم تابو شمرده میشد و غیر قابل بحث بود چنان مروج ساختند که اکنون به بحث های داغ روز این کشور ها مبدل گردیده است.

آنچه در میان جنبشهای فیمینیستی از پایان قرن بیستم تا امروز بسیار امیدوار کننده است رویکرد جدید فعالین این جنبش ها برای تأسیس یک جنبش جهانی برای رهایی زنان از سیطره همه انواع تبعیض جنسیتی و مظلوم فرهنگ مرد سالار میباشد.

بسیاری از طرفداران فیمینیسم اسلامی به این نظر اند که غرض مدرنیزه ساختن اسلام و بازبینی ژرف متون دینی در شرایط معاصر لازم است تا فیمینیست های اسلامی این جهش را انجام دهد تا دین از دست محافظه کاران سنتی رهایی پیدا کرده و مورد باز نگری قرار گیرد.

فیمینیست های اسلامی طرفدار بازنگری متون دینی بخصوص درقبال تفاسیری که گروه های اسلام سیاسی و محافظه کاران سنتی از قرآن و احادیث پیغمبر اسلام تاکنون ارائه کرده اند و همچنان تفسیر سازی و حدیث سازی میکنند میباشد. آنها تادکید دارند که بر اساس این بازبینی ها مسلمانان و غیر مسلمانان میتوانند گذشته و حال سیر حرکت اسلام را در جهان به نقد گیرند. زیرا خود جنبش فیمینیستی اسلامی برای آزادیهای زنان، رفع تبعیض جنسیتی و مشارکت زنان در کلیه امور در مخالفت با اسلام سنتی و اسلام سیاسی بمیان آمده است. این فیمینیست ها به این عقیده هستند که اسلام حقیقی غیر از اسلامی است که استعمار گران (مسلمان)، محافظه کاران سنتی و اسلامیت های

سیاسی به مردم مینمایانند. این فیمینیست ها در بسیاری از موارد از گفتمان های فیمینیست های غربی استفاده معقول برده و توانسته اند نقش فیمینیسم اسلامی را در حوزه جهانی به عنوان بخشی از فیمینیسم جهانی برسمیت بشناسانند. در یکده کشور های اسلامی زنان تا کنون هم نتوانسته اند سازمان های مستقل شان را ایجاد کنند و یا نامی از فیمینیسم را روی فعالیت های اجتماعی شان بگذارند، در این کشور ها زنان تلاش دارند با متون بر گرفته از اسلام و هدایات قرآنی قوانین حاکم فرهنگ مرد سالار را به چالش بکشند و جاگزین هایی در زمینه ارائه کنند. با مطالعه دقیق درونی جنبشهای فیمینیستی اسلامی و تفکرات حاکم در این جنبش ها به این نتیجه میتوان رسید که این جنبش فیمینیستی در کشور های مختلف اسلامی شامل دو دسته از تفکر میباشد یکی فیمینیست های اسلامی با تفکرات سیکولار و با فاصله بسیار زیاد از دین و مذهب یا مخالف دین و مذهب و دوم فیمینیست های مسلمان با تفکر دینی و مذهبی.

دسته اول یا فیمینیست های مسلمان اند که خود را فیمینیست های سیکولار هم مینامند عبارت از همان بخش از فیمینیسم کشور های اسلامی میباشد که اعضا و رهبری این جنبش ها در کشور اسلامی قرار داشته و لی آنها به اسلام و احکام آن باورمند نیستند و بیشترین انتباه تیوریک شان را از فیمینیست های غربی و مدرن و اعلامیه های جهانی در باره حقوق بشر و رفع خشونت علیه زنان اقتباس کرده و مبارزات شانرا نه تنها جدا از متون اسلامی بلکه با مردودیت مذهب و اسلام به پیش میبرند و مذهب را بزرگترین مانع در سر راه آزادیهای زنان، رفع تبعیض جنسیتی، رفع خشونت علیه زنان و مشارکت زنان در همه امور اجتماع - سیاست و فرهنگ میدانند.

دسته دوم عبارت از فیمینیست های اسلامی اند که در محراق تیوریک جنبش شان اسلام و قرآن قرار دارد. آنها به تفسیر ها، احادیث و فتوی های مذهبی باور نداشته و آنرا ساخته ذهن افشار اسلام سیاسی و محافظه کاران مذهبی که تلاش دارند تا بوسیله اسلام فرهنگ مرد سالار را در جامعه محکم تر ساخته و زنان را از حقوق و آزادیهای شان محروم نگهدارند، میدانند. در باره نام این دسته در میان آنها در کشور های مختلف نظریات متنوع وجود دارد. عده به این نظر اند که فیمینیسم برای این جنبش نام با مثمی نیست زیرا باور آنها از فیمینیسم تنها فیمینیست های رادیکال غربی در نظر میباشد. عده دیگر مصمم اند تا پسوند سیکولار را به این فیمینیسم اضافه کنند. به هر صورت توضیح تفصیلی و تاریخی این مسایل از بحث ما خارج است. پایان قسمت سی و دوم (ادامه دارد)